

## اثر برنامه‌ی آموزشی جامعه محور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بر کاهش رفتارهای پر خطر

بهروز بیزانپناه<sup>۱</sup>، میترا صفری<sup>۲\*</sup>، مهران یوسفی<sup>۳</sup>، پروین عنقا<sup>۴</sup>، محمد حبیبیان<sup>۵</sup>، کرامت الله زندی<sup>۶</sup>، همداد آدانپور<sup>۷</sup>

- ۱- دکترای علوم آزمایشگاهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
- ۲- کارشناس ارشد مامایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
- ۳- کارشناس ارشد علوم اقتصاد، دفتر برنامه ریزی و بودجه استانداری کهگیلویه و بویر احمد
- ۴- کارشناس مامایی، آموزش بهداشت، شبکه بهداشت و درمان شهرستان بویر احمد
- ۵- کارشناس گروه روانشناسی، معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کهگیلویه و بویر احمد
- ۶- کارشناس ارشد گروه مدیریت خدمات بهداشتی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
- ۷- کارشناس ارشد گروه روانشناسی، حوزه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

### چکیده

**مقدمه:** چیره شدن بر مشکلات اجتماعی نیازمند رویکردهای مشارکتی است. پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر برنامه آموزشی پیشگیری جامعه محور از سوء مصرف مواد مخدر بر کاهش رفتارهای پر خطر انجام شد.

**روش بورسی:** مطالعه حاضر مداخله‌ای- اجتماعی و مبتنی بر جامعه است. با استفاده از مدل "رویکرد برنامه‌ریزی شده به سلامت جامعه"، گروه همیار سلامت روستای وزگ شهرستان بویر احمد با شرکت نمایندگان مردم، سازمان‌های متولی سلامت و پژوهشگران تشکیل شد. با انجام نیازسنگی و اولویت‌بندی مشکلات سلامت، سوء مصرف مواد مخدر، مشکل اولویت دار روستا شناخته شد. با روش نمونه‌گیری تمام شماری اعضای بالای ۱۰ سال خانوارها مورد پرسشگری قرار گرفتند. با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مسجد روستا و تهیه و توزیع جزوات و پمפלتها و آموزش‌های چهاره به چهاره توسط اعضای همیار سلامت، مفاد برنامه، آموزش داده شد و پیشگیری لازم به مدت ۶ ماه به عمل آمد. بعد از این مدت مجدداً پرسشگری انجام شد. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS و آمار توصیفی و آزمون‌های آماری محدود کای و تی تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میانگین نمره عوامل و رفتارهای پر خطر مرتبط با سوء مصرف مواد مخدر قبل از اجرای برنامه آموزشی  $26/8 \pm 20/5$  و بعد از اجرای برنامه آموزشی  $25/2 \pm 2/3$  بود ( $P=0/008$ ). میانگین نمره وضعیت سلامت روانی قبل از برنامه آموزشی  $26/2 \pm 5/8$  و بعد از برنامه آموزشی  $26/4 \pm 5/4$  افزایش یافت ( $P=0/04$ ). فراوانی بسیاری از رفتارهای منفی مرتبط با سوء مصرف مواد بعد از اجرای برنامه آموزشی کاهش و رفتارهای مثبت افزایش داشت.

**نتیجه‌گیری:** برنامه‌های آموزشی جامعه محور با ایجاد بستر مناسب برای جلب مشارکت مردم می‌تواند الگویی جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و کاهش رفتارهای پر خطر مرتبط و در نتیجه کاهش هزینه‌ها و عوارض ناشی از این معضل گردد.

### واژه‌های کلیدی: پیشگیری- آموزش جامعه محور- سوء مصرف مواد مخدر- رفتارهای پر خطر

## مقدمه

که در قرن بیست و یکم در سیر همه گیرشناسی بیماری‌ها ایجاد شده است از اهمیت بیشتری برخوردار است. همراهی بیماری‌های روانی با پدیده سوء مصرف مواد در بحث همه گیرشناسی نوین باب تازه‌ای را خواهد گشود(۳).

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثر برنامه آموزشی جامعه محور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بر کاهش رفتارهای پرخطر در روستای وزگ با توجه به ویژگی جامعه محور بودن آن و ایجاد بستر مناسب برای جلب مشارکت مردم در جهت ارائه راهکار و برنامه‌های مداخله‌ای مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند الگویی جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و کاهش رفتارهای پرخطر مرتبط با آن در منطقه و در نتیجه کاهش هزینه‌ها و عوارض ناشی از این معضل گردد.

### روش بررسی

مطالعه‌ی حاضر مطالعه‌ای مداخله‌ای- اجتماعی، مشارکتی مبتنی بر جامعه است. جامعه پژوهش مشکل از کلیه افراد بالای ۱۰ سال در خانوارهای ساکن روستای وزگ از توابع بخش مرکزی شهرستان بویر احمد بودند. جهت شناسایی عوامل و رفتارهای پرخطر سوء مصرف مواد در خانوارهای ساکن روستا از روش نمونه گیری سرشماری استفاده شد و تلاش گردید تمام خانوارها در نمونه گیری پوشش داده شده تا عوامل شناسایی شوند و در تدوین برنامه پیشگیری و مداخله‌ای در منطقه مورد استفاده قرار گیرند.

جهت نیازمنجی و استخراج مشکلات منطقه و اولویت‌بندی آنها از روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات، از جمله مصاحبه جمعی با مردم، استفاده از فرم‌های نظرخواهی از مردم، مصاحبه و مشورت با افراد کلیدی و کارشناسان در منطقه، بحث متمرکز گروهی، مراجعه به آمار و اطلاعات سیستم بهداشتی در هر منطقه و تحقیقات و مطالعات انجام شده مرتبط با سلامت در منطقه استفاده شد.

جهت جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با عوامل و رفتارهای پرخطر از روش مصاحبه برای تکمیل پرسشنامه استفاده شد. برای

در چند دهه‌ی اخیر روش‌های تحقیق سنتی متداول برای حل مشکلات اجتماعی مردم به دلیل مشارکت محدود جامعه، دچار چالش شده‌اند. طراحان دیدگاه نوین، در جستجوی مشارکت جامعه به عنوان شریکی فعال در تمام فرآیند پژوهش هستند و سودمندی‌هایی را برای اتخاذ این راهبرد بر می‌شمارند، در پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه نقش محققین غیردانشگاهی در روند تولید دانش، ایجاد تغییر و کنترل فرآیند پژوهش حائز اهمیت است. تولید دانش، ایجاد تغییر و کنترل فرآیند پژوهش حائز اهمیت است. افزون بر این؛ مشارکت ذینفعان، توامندسازی، ظرفیت سازی و تقویت اعضاء جامعه برای مقابله با تهدیدهای سلامت را موجب می‌گردد. از این روش امروزه علاقه فرآیندهای برای بکارگیری پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه در سطح جوامع دانشگاهی وجود دارد(۱).

از سال ۱۳۷۵ رویکرد پیشگیری از دل سایر مداخلات متولد گردید، این رویکرد به دلیل بسترها اجتماعی آن دهه رویکردی اقتداری، جامع نگر و متخصص گرا داشت و رویکرد غالب محسوب می‌گردید. طی ۵ سال غلبه‌ی این رویکرد، نتایج تجربی مختلفی از کارآمدی و ناکارآمدی آن کسب گردید. این روش توانست اذهان مسئولین و کارشناسان را به سمت مقابله با مصرف مواد مخدر سوق دهد، اما ذات رویکرد طوری طراحی می‌گردید که با جوامع و اجتماعات را در فعالیت‌ها در نظر نمی‌گرفت و یا با آنان انفعای برخورد می‌کرد و سطوح مشارکت اجتماعی در کاهش تقاضای مواد مخدر را به سوی لایه‌های عمیق اجتماعی دنبال نمی‌کرد. همین موضوع سبب شکل گیری نگاهی دیگر گردید تحت عنوان مداخلات پیشگیری اجتماع محور یا مبتنی بر جامعه که نگاهی مشارکتی و مردم آمیزتر داشت و می‌رود که به عنوان یک رویکرد غالب نقش رویکرد جامعه نگر را به عهده بگیرد(۲).

همانگونه که در حیطه تعریف سلامتی به ابعاد روانی و اجتماعی توجه شده است در بحث پیشگیری پدیده‌های ناهنجار اجتماعی که اهم آن سوء مصرف مواد و اعتیاد است، ابعاد گستردۀ‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. این موضوع با تغییراتی

با شناسایی رفتارهای پرخطر مضامین آموزشی با مشاوره با متخصصین روانشناسی و کارشناسان سازمان بهزیستی و اعضاء هیات علمی و کارشناسان بهداشتی دانشگاه تهیه و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی با مشارکت اهالی در محل مسجد روستا، که همزمان مسجد روستا به اطلاع عموم رسانده می‌شد، و با تهیه و توزیع جزوای و پمفت‌ها و آموزش‌های چهره به چهره توسط اعضای همیار سلامت روستا، مفاد برنامه آموزش داده می‌شد و پیگیری لازم در مدت زمان اجرای برنامه‌ی مداخله‌ای (به مدت ۶ ماه) توسط گروه همیار سلامت روستا به عمل می‌آمد. در مدت زمان برگزاری جلسات آموزشی با استفاده از متد بحث متمرکز گروهی از نظرات اقسام مختلف مردم در آموزش‌ها بهره گیری شد.

بعد از مدت ۶ ماه مجدداً تیم‌های پرسشگری جهت تکمیل پرسشنامه به منازل اهالی مراجعه و مرحلی پرسشگری بعد از مداخله به مدت دو هفته اجرا شد.

داده‌های جمع‌آوری شده توسط پرسشنامه‌ها توسط اعضای آموزش دیده همیار سلامت روستا وارد نرم افزار آماری SPSS ver13 شد و با مشاوره با کارشناسان آمار و استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، همچون جداول توزیع فراوانی مطلق و نسبی، میانگین، انحراف معیار و آزمون‌های آمار استنباطی شامل آزمون‌های آماری مجذور کای، تی و تجزیه و تحلیل شد.

## نتایج

از مجموع ۵۱۰ نفر اعضای نمونه، ۲۵۶ نفر (۵۱ درصد) افراد مورد مطالعه مرد و ۲۵۴ نفر (۴۸/۹ درصد) آنها را زنان تشکیل می‌دادند. حداقل سن ۱۰ سال و حداکثر ۹۲ سال و میانگین سنی  $33/3 \pm 17/3$  بود. بیشترین فراوانی افراد مورد مطالعه در گروه سنی ۲۰-۲۹ سال (۳۱/۳ درصد) و بعد از آن فراوانی گروه ۱۰-۱۹ سال قرار داشت که نشان دهنده جوان بودن جمعیت بود. کمترین فراوانی مربوط

اجرای این پژوهش در روستا از مدل "رویکرد برنامه‌ریزی شده به سلامت جامعه" استفاده شد. ابتدا از مردم روستا دعوت و با تشکیل جلسه توجیهی طرح در مسجد روستا، اساس و اهداف این رویکرد را تشریح و بعد از کسب رضایت و موافقت و اعلام همکاری اهالی مبنی بر مشارکت در اجرای پروژه، جهت تعیین نمایندگان مردم و تشکیل تیم ارتقای سلامت با عنوان گروه همیار سلامت در روستا، همفکری به عمل آمد و در نهایت نمایندگان مذکور انتخاب شدند. با سیج جامعه و جمع‌آوری اطلاعات عرصه سلامت جهت تعیین اولویت بهداشتی و طراحی یک راه کار مداخله‌ای تحقیقاتی جامعه محور، گروه همیار سلامت روستا با شرکت نمایندگان مردم، سازمان‌های متسولی سلامت و پژوهشگران تشکیل شد. گروه همیار سلامت روستا در کارگاه‌های آموزشی و توجیهی پیروزه تحقیقاتی همیاران سلامت در روستا و در مرکز شهرستان و نیز در مرکز استان با شرکت در این کارگاه‌ها جهت تعیین نیازهای عرصه سلامت و چگونگی اولویت‌بندی نمودن آنها و نیز چگونگی استخراج اولویت‌های پژوهشی از بین مشکلات پژوهشی و نحوه تهیه کاربرگ تحقیقاتی و اجرای پژوهش‌های تحقیقاتی عرصه سلامت، توانایی‌های لازم را کسب نمودند.

لازم بود اطلاعات و ویژگی‌های جمعیتی مشکل یعنی رفتارهای پر خطر زمینه ساز سوء مصرف مواد مخدر در روستا بطور دقیق در بین گروه هدف تعیین شود. گروه همیار سلامت توانمندی لازم را جهت تهیه پرسشنامه و تعریف روایی و پایایی آن کسب نمودند و سپس در این روستا ۲ تیم پرسشگری مشکل از ۲ نفر پرسشگر (مرد و زن) و یک نفر ناظر از اهالی روستا انتخاب شدند و مورد آموزش جهت انجام پرسشگری قرار گرفتند. این پرسشگران با مراجعه به منازل خانوارهای روستا، افراد ۱۰ سال به بالا را در مدت ۱۰ روز مورد مصاحبه جهت شناسایی رفتارهای پر خطر سوء مصرف مواد مخدر قرار دادند.

هیچ وقت و امتیاز یک به گزینه تمام اوقات اختصاص داده شد. سپس امتیازهای ۸ شاخص جمع شد و حداکثر امتیاز ۴۰ و حداقل امتیاز ۸ بدست آمد. وضعیت سلامت برای افرادی که امتیاز بین ۳۰ تا ۴۰ گرفته بودند "خیلی خوب"، افرادی که امتیاز ۲۹-۱۹ گرفته بودند "خوب" و افراد با امتیاز ۸ تا ۱۹ "نسبتاً بد" تلقی شد (جدول ۱).

برای همه موارد عادات و عوامل مستعد کننده در جدول (۲)، به گزینه بلی امتیاز ۲ و به گزینه خیر امتیاز یک تعلق گرفت، به جز سه مورد وفادار بودن به قول انجام کار، همیشه حقیقت را گفتن و خوب و پسندیده بودن تمام عادات که به گزینه بلی امتیاز یک و به گزینه خیر امتیاز ۲ تعلق گرفت. با جمع امتیازات حداقل امتیاز ۱۵ و حداکثر ۳۰ بدست آمد. کسب امتیاز ۱۵-۲۲ به عنوان میزان عوامل مستعد کننده کم و ۲۳-۳۰ به عنوان میزان عوامل مستعد کننده زیاد در نظر گرفته شد. به این ترتیب ۳۳/۷ درصد افراد دارای عوامل مستعد کننده زیاد و ۶۶/۳ درصد دارای عوامل مستعد کننده کم بودند.

به گروه سنی ۴۰-۴۹ سال (۱۰ درصد) بود. فراوانی گروههای سنی در هر دو جنس نیز به همین ترتیب بود. ۵۰/۵ درصد مجرد و ۴۶/۷ درصد متاهل بودند. ۱۹/۶ درصد افراد بی‌سواد بودند و فقط ۹ نفر (۱/۸ درصد) افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و آموزش عالی بودند. از نظر مشاغل بیشترین فراوانی مربوط به زنان خانه دار و سپس دانش آموزان (۲۲ درصد) و شغل آزاد با ۱۶ درصد و یکاری ۸/۸ درصد بود. ۷۵ نفر (۱۵ درصد) افراد مورد مطالعه از سلامت روانی خیلی خوب، ۳۲۳ نفر (۶۴/۵ درصد) از وضعیت روانی خوب و ۱۰۳ نفر (۲۰/۶ درصد) از وضعیت روانی نسبتاً بد برخوردار بودند. برای محاسبه وضعیت سلامت به هر کدام از گزینه‌های مقابل هر شاخص یک امتیاز داده شد. به شاخص‌هایی که مثبت بودند گزینه هیچ وقت یک امتیاز، ۵ اوقات کمی ۲، بعضی اوقات ۳، بیشتر اوقات ۴ و تمام اوقات ۵ امتیاز داده شد. در مورد شاخص‌های منفی از قبیل عصبی بودن، احساس افسردگی، احساس خستگی و تاثیر عالمی جسمی بر مشکلات عاطفی و فعالیتهای اجتماعی، امتیازها عکس در نظر گرفته شد؛ یعنی امتیاز ۵ به گزینه

جدول ۱: توزیع فراوانی مطلق و نسبی افراد مورد مطالعه بر حسب شاخصهای سلامت روانی در چهار هفته قبل از اجرای برنامه آموزش

بر فعالیتهای اجتماعی	تاثیر سلامت جسمی یا مشکلات عاطفی	احساس خوشحالی	احساس خستگی	بنیه زیاد داشتن	احساس آرامش	احساس افسردگی	عصبی بودن	احساس سرشار از انرژی
جمع	تمام اوقات	بیشتر اوقات	بعضی اوقات	هیچ وقت	آوقات کمی	آوقات کمی	بعضی اوقات	تعداد درصد
۱۰۰	۱۰۳	۲۰/۶	۱۴۴	۲۰/۸	۲۸/۸	۱۶۳	۳۲	۱۱/۸
۵۰/۱	۱۰۳	۲۰/۶	۱۴۴	۲۰/۸	۱۶/۸	۱۶۰	۹۰	۲۸/۷
۱۰۰	۲۳	۴/۶	۸۴	۱۶/۸	۱۶۰	۱۴۴	۳۱/۹	۲۸/۷
۵۰/۱	۲۴	۴/۸	۶۴	۱۲/۸	۱۲۲	۲۴/۴	۸۹	۱۷/۸
۱۰۰	۵۹	۱۱/۸	۲۶۸	۱۱/۸	۳۳/۵	۱۶۶	۸۶	۱۷/۳
۵۰/۱	۱۲۴	۲۴/۸	۱۴۷	۱۴۷	۲۶۸	۱۴۲	۲۸/۳	۲۰/۲
۱۰۰	۱۲۴	۲۴/۸	۱۴۷	۱۴۷	۱۲/۸	۶۴	۸۹	۱۷/۸
۵۰/۱	۶۹	۸	۱۳۵	۲۷	۱۳۵	۱۷۴	۹۲	۱۴۴
۱۰۰	۳۹	۱۸/۶	۱۶۷	۱۶۷	۳۳/۴	۱۶۳	۶۷	۲۲/۵
۵۰/۱	۹۳	۱۸/۶	۱۶۷	۱۶۷	۱۶۳	۱۶۳	۱۱	۱۳/۴
۱۰۰	۷۶	۱۵/۲	۱۰۶	۱۱/۲	۱۰۶	۱۴۵	۷۷	۱۵/۴
۵۰/۱	۹۷	۱۵/۲	۱۰۶	۱۱/۲	۱۰۶	۱۴۵	۹۷	۱۹/۴

جدول ۲: توزیع فراوانی مطلق و نسبی افراد مورد مطالعه بر حسب برحی عادات و رفتارهای مستعد کننده سوء مصرف مواد مخدر

عادات و رفتار مستعد کننده						
	جمع	بلی	خیر	تعداد	درصد	تعداد
ترک تحصیل کردن				۳۱۲	۶۲/۳	۱۸۹
سیگار کشیدن در طول زندگی				۸۷	۱۷/۴	۴۱۴
سیگار کشیدن طی ۶ ماه گذشته				۷۸	۱۵/۶	۸۴/۴
نوشیدن نوشابه الکلی در طول زندگی				۵۱	۱۰/۲	۴۵۰
مصرف داروهای محرک بدون تجویز پزشک و مسئولین بهداشتی				۴۱	۸/۲	۴۶۰
استفاده از داروهای خواب آور طی ۶ ماه گذشته				۲۷	۵/۴	۴۷۴
استفاده از داروهای آرام بخش طی ۶ ماه گذشته				۳۸	۷/۶	۴۶۳
استفاده از متادون در طول زندگی				۵	۱	۴۹۶
وفادار بودن به قول انجام کاری				۴۱۳	۸۲/۴	۸۸
عصبانی شدن یک مرتبه و در یک آن				۳۷۲	۷۴/۳	۱۲۹
گفتن شایعات بی اساس بصورت گاهگاهی				۷۳	۱۴/۶	۴۲۸
تاخیر در رفتن به مدرسه یا قرار ملاقات				۱۸۳	۳۶/۵	۳۱۸
گاهی صحبت کردن راجم به چیزهایی که از آنها چیزی نمی دانید				۱۸۳	۳۶/۵	۳۱۷
همیشه حقیقت را گفتن				۳۵۸	۷۱/۵	۱۴۳
خوب و پستدیده بودن تمام عادات				۲۸۱	۵۶/۱	۲۲۰

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار عوامل و رفتارهای پر خطر مرتبط با سوء مصرف مواد مخدر قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی

آزمون آماری	میانگین و انحراف معیار قبل از برنامه آموزشی	میانگین و انحراف معیار بعد از از برنامه آموزشی	شاخص
$t = -8/17 \ df = 438 \ P = .0/4$	$26/4 \pm 5/7$	$26/2 \pm 5/8$	سلامت روانی
$t = -2/68 \ df = 432 \ P = .0/008$	$26/2 \pm 2/3$	$26/8 \pm 2/05$	عادات و رفتارهای مستعد کننده سوء مصرف مواد مخدر

جدول ۴: مقایسه برحی عوامل و رفتارهای پر خطر مرتبط با سوء مصرف مواد مخدر قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی

شاخص	بعد از اجرای برنامه آموزشی	قبل از اجرای برنامه آموزشی
دعای والدین با یکدیگر	۱۴	۲/۸
دعای والدین با فرزندان	۳۲	۶/۴
در میان گذاشتن مشکل توسط پسر	۲۳۱	۴۶/۴
مراجعه والدین به مدرسه جهت اطلاع از وضعیت تحصیلی	۱۳۴	۲۶/۹
فرزندان	۱۳۴	۱۲۵
تمایل به اعمال رشت	۵	۱
کمبود اعتماد به نفس	۱۶	۳/۲
داشتن زمینه خانوادگی اعتیاد	۸	۱/۶
مصرف مواد مخدر توسط اعضاء خانواده	۷	۱/۴
رها کردن فرزندان به حال خود	۱۱	۲/۲
تشنج و درگیری در خانواده	۲	۱/۴

جدول ۵: توزیع فراوانی مطلق و نسبی سوء مصرف مواد مخدر بر حسب نوع مواد قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی

درصد	بعد از اجرا		قبل از اجرا		توضیح
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰/۵	۲	۰/۴	۲	۰/۴	تریاک
۳/۲	۱۴	۱/۶	۸	۱/۶	هروئین
-	-	۰/۲	۱	۰/۲	حشیش
۰/۲	۱	۰/۲	۱	۰/۲	غیره
۹۶/۲	۴۲۵	۹۷/۶	۴۸۹	۹۷/۶	هیچکدام
۱۰۰	۴۴۲	۱۰۰	۵۰۱	۱۰۰	جمع

## بحث

مطرح است. میزان بالای توامان دیده شدن این اختلال با اختلالات روانپزشکی دیگر بر نقش احتمالی اختلالاتی مانند اضطراب، افسردگی و مشکلات شخصیتی در سبب شناسی وابستگی به مواد افیونی تاکید می کند(۴). یافته های پژوهش در رابطه با رفتارهای مستعد کننده نشان داد بیشترین فراوانی Yazdanpanah عصبانی شدن در یک آن بوده است. در تحقیق Yazdanpanah و همکاران، زود عصبانی شدن در افراد بالای ۱۵ سال روستایی استان، ۴۱/۶ درصد گزارش شده است(۵). این رقم نسبت به مطالعه حاضر رقم پایین تری است. که این اختلاف می تواند به علت گروه سنی مورد مطالعه باشد. بر اساس یافته های پژوهش تقریباً حدود یک سوم افراد مورد مطالعه روستای وزگ دارای رفتارهای مستعد کننده بودند و از نظر سوء مصرف مواد مخدر در خطر قرار داشتند که لزوم برنامه ریزی مناسب جهت کاهش این عوامل و رفتارهای پر خطر را نشان می دهد.

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار سلامت روانی و عادات و رفتارهای مستعد کننده سوء مصرف مواد مخدر را نشان می دهد. با توجه به توضیحاتی که قبل از آن اشاره شده سلامت روانی از ۸ گزینه و عادات و رفتارهای مستعد کننده از ۱۵ گزینه تشکیل شده بود که به هر کدام از آنها امتیاز تعلق گرفت و مجموع آنها امتیاز کلی هر کدام از این دو مورد را تعیین می کرد. مقایسه میانگین و انحراف معیار آنها نشان می دهد که میانگین سلامت روانی بعد از اجرا مختصری افزایش داشته است که از نظر آماری معنی دار نبوده است. در رابطه با عادات و رفتارهای مستعد کننده نیز یافته ها حاکی از آن است

با توجه به یافته های پژوهش در می یابیم که علی رغم اینکه همه افراد مورد مطالعه سن بالای ۱۰ سال داشتند باز هم میزان بیسواندی درصد بالایی را به خود اختصاص داده است و فراوانی تحصیلات دانشگاهی و آموزش عالی نیز پایین بود. با توجه به نزدیکی این روستا به مرکز استان و شهر یاسوج و امکان دسترسی افراد به مراکز آموزش عالی این رقم بسیار ناچیز به نظر می رسد. شاید یکی از دلایل آن ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده از روستا باشد یافته های پژوهش در مورد وضعیت شغلی افراد مورد مطالعه نشان داد با توجه به اینکه نیمی از افراد مورد مطالعه را زنان تشکیل دادند، بیشترین فراوانی مربوط به خانه داری است و بعد از آن ۲۲ درصد افراد مورد مطالعه دانش آموز بودند و از مشاغل در آموزش زمانی مربوط به شغل آزاد بود. نکته قابل توجه این است که ۸/۸ درصد افراد مورد مطالعه بیکار بودند، که بعد از شغل آزاد بیشترین فراوانی را داشت و رقم نسبتاً بالایی است. با توجه به اینکه افراد خانه دار و دانش آموزان نیز شغل در آموزایی ندارند، بنابراین بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه قادر شغل در آموزش بودند.

در این مطالعه اکثربیت افراد از سلامت روانی خوب برخوردار بودند و حدود یک پنجم افراد از وضعیت روانی نسبتاً بد که می تواند از عوامل مستعد کننده گرایش به سوء مصرف مواد مخدر باشد، برخوردار بودند.

در این باره در منابع نیز چنین اشاره شده است: اختلال سیستم های انتقال دهنده عصبی دوپامینی و نور آدرنرژیک، کم فعالیتی سیستم شبکه افیونی درونی با مبنای ژنتیک از عوامل زیست شناختی است که در سبب شناسی ایجاد این اختلال

در بین مردم و تأکید بر اینکه اعتیاد بیماری است نه جرم، باعث شد که حساسیت موضوع کمتر شود و پنهانکاری‌ها و انکار واقعیت توسط افراد مورد مطالعه کاهش یابد. با وجود این باز هم نمی‌توان این ارقام را ارقام واقعی سوء مصرف مواد مخدر در منطقه دانست. احتمالاً میزان مصرف مواد مخدر از این ارقام بالاتر است که بیشترین ماده مصرفی این افراد هروئین بوده است و تریاک، حشیش و غیره در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. در مطالعه Zadeh bagheri و همکاران، میزان مصرف مواد مخدر در نمونه‌های موربد برسی ۱۴-۶۵ سال استان ۱/۷ درصد گزارش گردیده است و بیشترین ماده مصرفی با میزان ۸۵/۹ درصد، تریاک بوده است<sup>(۶)</sup>. میزان گزارش شده در مقایسه با مطالعه حاضر کمتر است و نوع بیشترین ماده مصرفی نیز متفاوت است. در این مطالعه هروئین بیشترین ماده مصرفی بود. هروئین که زیانهای آن از تریاک، شیره و سورفین بیشتر است خطرناکترین و قوی‌ترین ماده مخدر می‌باشد<sup>(۷)</sup>. با توجه به اینکه هروئین ماده خطرناکتری نسبت به تریاک است باز بر حاد بودن این مشکل و اهمیت آن در منطقه مزبور می‌افزاید.

نکته‌ی حائز اهمیت در این مطالعه و مطالعات مشابه این است که با توجه به اینکه اعتیاد در کشور ما عمدتاً به عنوان یک جرم تلقی می‌شود و همچنین با توجه به شرع و عرف جامعه یک عمل غیراخلاقی و نادرست به حساب می‌آید، افراد به راحتی اعتیاد خود را بر ملامتی سازند و معمولاً بسیاری از افراد مستقیماً سوء مصرف خود را گزارش نمی‌کنند، بنابراین با توجه به این موضوع، میزان مصرف در این منطقه بیشتر از میزان گزارش شده و مندرج در جدول است. پژوهشگران علاوه بر پرسش مستقیم در مورد مصرف مواد مخدر، تعدادی سوال بطور غیرمستقیم جهت پی بردن به فراوانی این مشکل طراحی و در پرسشنامه گنجانده بودند که با توجه به پاسخ‌های داده شده به این سوالات می‌توان نتیجه گرفت که میزان سوء مصرف مواد بیشتر از میزان گزارش شده به طور مستقیم است.

در اینجا لازم به ذکر است که پاسخ به سوالات غیرمستقیمی که پرسشنامه جهت پی بردن به سوء مصرف مواد مخدر طراحی

که میانگین و انحراف معیار این عادات و رفتارها بعد از اجرا کاهش داشته است و از نظر آماری نیز این اختلاف معنی‌دار بود<sup>(۸)</sup>.

متأسفانه به دلیل وجود محدودیت‌هایی از قبیل عدم همکاری جدی و عملی سازمانها و نیروهای ذینفع، موضوع پژوهه که به دلیل مسائل اجتماعی و امنیتی در مردم حساسیت‌های ویژه‌ای ایجاد می‌کرد، میزان کم مشارکت فعال مردم روستا در جلسات و کارگاه‌های آموزشی اجرایی به دلیل ترس از انگ اعتیاد، پژوهه به شکل دلخواه پژوهشگران که ارتقای موثر سلامت روانی و کاهش چشمگیر عوامل مستعد کننده سوء مصرف مواد مخدر در این منطقه پیش نرفت. از طرف دیگر با توجه به اینکه به جز عوامل و راثی، عوامل مختلفی در وضعیت روحی و روانی افراد نقش دارد و تغییر روحیه نیازمند تغییرات اساسی و درازمدت در عوامل محیطی و اجتماعی است بنابراین رسیدن به این اهداف، زمان بیشتر و امکانات وسیع تری را می‌طلیید که در این پژوهه با توجه به محدودیت‌های ذکر شده امکان پذیر نبود. مقایسه فراوانی عوامل و رفتارهای پرخطر مرتبط با سوء مصرف مواد مخدر در روستای وزگ قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی، نشان داد. بسیاری از رفتارهای منفی بعد از اجرای برنامه آموزشی کمتر شده و رفتارهای مثبت مانند مراجعه والدین به مدرسه جهت اطلاع از وضعیت تحصیلی فرزندان یا در میان گذاشتن مشکل توسط پسر با پدر افزایش داشته است<sup>(جدول ۵)</sup>. گرچه این تغییرات چشمگیر نیستند اما تا حدودی نشان دهنده تاثیر برنامه آموزشی است. البته با توجه به محدودیتهای اشاره شده‌ی قبلی دست یابی به چنین نتایجی امیدوار کننده است.

با مقایسه فراوانی سوء مصرف مواد مخدر قبل و بعد از اجرای برنامه متوجه می‌شویم که میزان سوء مصرف مواد مخدر بعد از اجرای برنامه آموزشی بیشتر شده است. پژوهشگران معتقدند با توجه به مطرح شدن این پژوهه و اهداف آن در بین مردم روستا و بخصوص اجرای جلسات آموزشی و به چالش کشیده شدن بحث اعتیاد توسط مجریان طرح و بحث گروهی

سوء مصرف مواد به عنوان یکی از مشکلات بهداشتی، درمانی و اجتماعی قرن حاضر شناخته شده است و پدیده‌ای فراگیر، همگانی، جهانی و پیچیده است. با وجود قوانین و مقررات و اقدامات بازدارنده در جوامع مختلف نه تنها از شدت و حدت آن کاسته نشده بلکه هر روز دامنه این مشکل افزون‌تر می‌شود. بنابراین حل این مشکل نیاز به همکاری کلیه نهادها، سازمانهای متولی سلامت و اقشار مختلف مردم دارد.

### سپاسگزاری

از شورای فناوری استان کهکیلویه و بویراحمد که حمایت مالی این طرح را به عهده داشت و دانشگاه علوم پزشکی یاسوج و اهالی محترم روستای وزگ به ویژه آقای جانعلی مجاهدین، خانم فریده اسدپور، خانم زینب عباسی، خانم فربیا رمضانیان، آقای احمد جبارنیا، آقای سلیمان حسنی، آقای ناصر علیزاده، آقای حشمت‌الله علیزاده، آقای صدر غربی، خانم فاطمه لطفی، آقای شمشیر حسین زاده، خانم راضیه براتی، خانم زینب منصوری، خانم لیلا آقایی که بدون همکاری صمیمانه و پرتلاش آنها اجرای این پروژه امکان پذیر نبود، سپاسگزاری می‌گردد.

شده بود، مانند نظر خواهی در مورد علل و انگیزه سوء مصرف مواد مخدر، عوامل موثر خانوادگی و اجتماعی، فراوانی سوء مصرف مواد مخدر بعد از اجرای برنامه آموزشی کمتر از میزان آن قبل از اجرای برنامه آموزشی بود.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بعد از اجرای برنامه آموزشی جامعه محور فراوانی بسیاری از رفتارهای پرخطر کاهش و فراوانی سوء مصرف مخدر در پاسخ به سوالات غیرمستقیم نیز کاهش و سلامت روانی افراد مورد مطالعه علیرغم معنی‌دار نبودن آن از نظر آماری مختصراً افزایش داشته است و آزمون آماری اختلاف میانگین عوامل مستعد کننده سوء مصرف مواد که همان رفتارهای پرخطر بود را قبل و بعد از برنامه آموزشی نشان می‌دهد. پس بر این اساس می‌توان گفت برنامه آموزشی جامعه محور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بر کاهش رفتارهای پرخطر در روستای وزگ موثر بوده است که این مسئله با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در این پروژه می‌تواند نقطه امیدی برای پیشگیری و کنترل سوء مصرف مواد مخدر باشد.

### منابع:

- 1- Bahreini F, Jamshidi A, Shahandeh Kh, Shoghli A, Forozan A, Mohamadrezaei N. *Community based participatory research*. Tehran: Minstry of Health and Medical Education; 2006. P 7-8. [Persian]
- 2- Sofivandi N. *School community, A discussion on the future directions for drug abuse prevention in schools by school community participation*. Kermanshah: Kermanshah Publication; 2003.P. 4-5. [Persian]
- 3- Bakhshipoor Roodsari A, Bolhari J. *Guideline of prevention and treatment of drug abusing*. Tehran: Salman Publication; 2005.P. 18-20.[Persian]
- 4- Ghoreshizadeh M, Torabi K. *Survey of effective factors in drug dependency in clients who referred to Tabriz self introduced center*. Quarterly Journal of Andisheh va Raftar. 2002;8(29):21-8.[Persian]
- 5- Yazdanpanah B, Marioryad H, Safari M, Ostovar R, Ghafarian Shirazi H. *Research priority of health area of Kohgiloyeh and Boyerahmad Province*. Shiraz: Navid\_e Shiraz; 2004.P. 26; 26-7. [Persian]
- 6- Zadehbagheri Gh, Afshoon A, Abbasi A, Kamkar A. *The cause of tendensy and preventive methods of drug abusing in Kohgiloyeh and Boyerahmad Province*. Journal of Armaghan\_e Danesh 2005;10(4):71-9.[Persian]
- 7- Ebrahimi A. *Guideline for family about prevention of smoking , alcohol and drug abusing in adolescent*. Isfahan: Kankash Publication; 2005.P. 20-2.[Persian]